

عنوان: حَبْلُ الْمَتِينِ (3) : جستوجوی عزّت در خانه‌ی عنكبوت

کتگوری: سیاسی

خلاصه: شاخص‌ترین ویژگی خانه‌ی عنكبوت ذلت و خواری، جنگ و جدال، کشتار و برادرکشی می‌باشد. در خانه عنكبوت دوستی‌ها به دشمنی مبدل می‌گردند و بی‌عزت‌ها با عزت می‌شوند و با عزت‌ها بی‌عزت می‌گردند. حوادث چند سال اخیر تصویر جالبی را به پیش روی ما می‌گذارد که در نظام فعلی چه کسانی دارای عزت و مقام اند؟ انسان‌های ضعیف، مزدور، بی اراده که همچو گودی‌گک‌های مفلوک در خدمت منافع امریکا قرار دارند. برعکس، انسان‌های با عزت به بی‌عزتی متهم شده و از قدرت به زیر کشیده شدند.

حَبْلُ الْمَتِينِ (3) : جستوجوی عزّت در خانه‌ی عنكبوت



مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا [فاطر 35]

کسی که عزت می‌خواهد، پس [باید آن را از خدا بخواهد، زیرا] همه عزت ویژه خداست.

عزت در زبان عربی قدیم به معنی شرف است که با زور بدست می‌آید یا حالت شکست ناپذیری را گویند. این آیه در اواسط دوره مکی نازل گردیده. زمانی که عرب‌ها بالای این موضوع بحث و مناقشه داشتند که این کسی که خود را پیغمبر معرفی می‌کند و پرچم دعوت اسلام را برافراشته است؛ آهسته آهسته مردم را بسوی خودش جلب کرده و باعث گردیده که تمایل مردم به بت‌ها و بت‌پرستی کم‌رنگ شده و بدین‌وسیله باعث کاهش عزت بت‌ها در میان مردم شود.

چون در عرب قدیم 360 بت در خانه کعبه نگهداری می‌گردید که بعدها با فتح مکه همه‌ای آن‌ها از بین برده شد و هر قبیله بتی را می‌پرستید. در میان قبایل بت‌پرست، بت‌ها محور بودند و هر قبیله‌ای بت مخصوص داشت، مثلاً: قریش بتی به نام «عزی»، قبیله‌ی سقیف، بت «لات» داشت و اوس و

خزرج «مناة» داشتند. البته در آن زمان بتها تنها وسیله عبادت نبودند؛ بلکه این بتها وسیله‌ی پیوند بتپرستان با نیاکان‌شان بود و بیشتر از آن وسیله‌ی سیاست و قدرت بودند. بتها معیاری برای تعیین جایگاه، روابط اقتصادی و سیاسی پنداشته می‌شدند. چنان‌چه ابراهیم علیه السلام برای قومش در باره بتها چنین می‌گفت:

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا [عنكبوت: 25]

و [ابراهیم] گفت: جز این نیست که به جای خدا بتهایی را [برای خود به عنوان معبود] گرفته‌اید [که علت آن] دوستی میان خودتان در زندگی دنیاست،

«مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ» به خاطر محبت میان خود. مراد این است که بتهای که می‌پرستید، مجسمه افراد صالح یا بزرگان قوم است، یا این که پدران خود را بر پرستش چنین بتهای دیده‌اید و محض تقلید از ایشان و چشم هم‌چشمی یکدیگر، شما هم آنها را می‌پرستید. و یا اینکه پرستش بتهای مخصوص رمز وحدت هر قوم و قبیله‌ای بشمار می‌آمد و بتپرستی تنها به خاطر دوست داشتن و جانبداری از قوم و قبیله بود و بس.

بناءً، بحث مبارزه با بتپرستی و شرک در تمام ادوار انبیا علیهم السلام یک بحث عقیدتی و عبادی محض نبود. بت یک سمبول شرک بود و دعوت و مبارزه انبیا بر این اساس بود که نتایج و پیامدهای بت و بتپرستی را رد کنند؛ نه اینکه اشکال مادی بتها را از بین ببرند. چنان‌چه، زمانی‌که اسلام ابوجهل را محکوم می‌کند تنها منظور ابوجهل نیست، بلکه منظور تمام ابوجهل صفتان تاریخ است که در برابر دعوت حق می‌ایستند. ابوجهل صرف یک سمبول قرارگرفتن باطل در برابر حق است.

چه بسا که اصل خطر در همان پیامدهای بتپرستی نهفته است. چون بتها وسیله دوستی، موثقت و روابط اقتصادی و اجتماعی پنداشته می‌شدند و بتها در تشکیل و کیفیت روابط سیاسی و قبیلوی، در عزت و ذلت قوم نقش اساسی را ایفاء می‌نمودند. از این‌رو، مبارزه انبیا با بتپرستی ابعاد وسیع‌تری را در بخش ساختارهای سیاسی و روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دربر می‌گرفت.

طوری‌که در زمان معاصر، ما با بتهای معاصر روبرو هستیم که به شکل مادی آن بت نیست، ولی وسیله مورد پرستش مردم است و در عقایدشان جا خوش کرده است. مردم حاضر هستند تا آخرین نفس و قطره خون برای این بتها خودشان را قربانی کنند.

بتهای معاصر چیز دیگری جز چسپیدن به ارزشهای ملی، باور داشتن به نظام دموکراسی، تلاش برای کسب منافع سیاسی و ملی نیست. در حال حاضر، ساختارهای سیاسی، روابط اقتصادی - اجتماعی، مبارزات سیاسی کتله‌ها و افراد اکثراً بر اساس همین بتها شکل می‌گیرد. مبارزه سیاسی شان برای بتهای معاصر از قبیل رسیدن به مقام، نهادینه‌سازی دموکراسی، مفکوره وطنیت و ارزشهای ملی پایه‌ریزی گردیده است.

این بت‌های معاصر باعث گردیده تا شیرازه وحدت ما از هم بپاشد و ما به 50 جغرافیای مختلف تقسیم‌بندی شویم و بدتر از همه این‌که این جغرافیا ترسیم شده‌ای انگلیس و فرانسه را برای ما بسیار با ارزش ساخته‌ایم و حالا هر سرزمین اسلامی دور منافع ملی، مرزها و حاکمیت ملی خویش جمع شده‌اند، همان‌طور که قبایل قریش دور بت‌های شان جمع می‌شدند.

بدین لحاظ، جست‌وجوی عزت در قوم و قبیله و وطن و ارزش‌های غربی باعث ذلت بیشتر ما گردیده است. تا جایی‌که تعدادی از بزرگان، نخبه‌گان، متنفذین و رهبران قومی و سیاسی افغانستان عزت را از امریکا می‌خواهند. سعی در این دارند تا در خوش‌خدمتی برای امریکا از یکدیگر پیشی گیرند تا امریکا برای آن‌ها عزت، چوکی و قدرت بدهد. عزت را در دوستی با امریکا و ذلت را در دوری با امریکا می‌بینند.

با این‌حال، جست‌وجوی عزت در ارزش‌های اسلامی و در کسب رضایت الله سبحانه و تعالی به یک مسأله پیش پا افتاده و مورد تمسخر مبدل گردیده که بسا اوقات تاپه متحجر بودن و کهنه فکری نیز بر آن حک می‌گردد. این حالت را قرآن با مثال عنکبوت بصورت جالب به بحث گرفته:

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنَ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ [عنکبوت: 41]

داستان کسانی که به جای خدا سرپرستانی گرفته‌اند، مانند داستان عنکبوت است که خانه‌ای [بی‌دیوار، بی‌سقف و بی‌حفاظ] برای خود بنا کرده باشد، و بی تردید سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، اگر [به این واقعیت] معرفت و شناخت داشتند [بت‌ها و کسانی غیر از الله را سرپرستان خود نمی‌گرفتند].

شاخص‌ترین ویژگی خانه‌ی عنکبوت ذلت و خواری، جنگ و جدال، کشتار و برادرکشی می‌باشد. در خانه عنکبوت دوستی‌ها به دشمنی مبدل می‌گردند و بی‌عزت‌ها با عزت می‌شوند و با عزت‌ها بی‌عزت می‌گردند. حوادث چند سال اخیر تصویر جالبی را به پیش روی ما می‌گذارد که در نظام فعلی چه کسانی دارای عزت و مقام اند؟ انسان‌های ضعیف، مزدور، بی اراده که همچو گودی‌گک‌های مفلوک در خدمت منافع امریکا قرار دارند. برعکس، انسان‌های با عزت به بی‌عزتی متهم شده و از قدرت به زیر کشیده شدند. (1)

امروز نزد بسیاری از رهبران قومی و سیاسی و حتی رهبران تعدادی از حرکت‌های اسلامی این مفهوم به صورت واقعی وجود ندارد که پیروزی و عزت واقعی به دست الله سبحانه و تعالی است. آن‌ها این موضوع را درک نکرده‌اند که امریکا و اروپا و قدرت‌های شرق و غرب از این‌ها راضی نمی‌شوند و جست‌وجوی عزت نزد آن‌ها اشتباه است. حالانکه دولت‌های غربی دید ابزاری نسبت به رهبران قومی و سیاسی افغان دارند تا از آن‌ها در بازی‌های سیاسی بهره‌برداری کنند و زمانی تاریخ مصرف شان به اتمام رسید از اریکه‌ی قدرت دور افکنده می‌شوند و به ذلت و خواری دچار می‌گردند. جست‌وجوی عزت در خانه عنکبوت (اروپا و امریکا) زهر کشنده‌ای است که جست‌جوگرانش را به ذلت و بدبختی دچار می‌سازد. در حالی‌که وسیله عزت باید ارزش‌های اسلامی باشد.

چنان‌که، تعدادی زیادی از مجاهدین و قوماندانان بزرگ افغانستان که دارای عزّت و شرف بودند و در قلب مردم جا داشتند سرنوشت شان بعد از جستجوی عزّت در خانه‌ی عنکبوت چه شد؟ بدون شک که در خانه‌ی عنکبوت و در دوستی با امریکا عزّت‌مندان بی‌عزّت می‌شوند و بی‌عزّت‌ها عزّت‌مند می‌گردند.

طوری‌که همان اقوام عرب که با فضا شدن اسلام از عزّت و قدرت شان در هراس و تشویش بودند، برعکس زمانی‌که به اسلام گرویدند، از جان و دل به مفاهیم اسلام مایه گذاشتند و تسلیم شدند و عزّت خود را در اسلام جستجو کردند، الله سبحانه و تعالی آن‌ها را در کمتر از پنجاه سال به رهبری و سرداری جهان تکیه داد و قدرتهای بزرگ آن زمان «روم و فارس» از صدای «الله اکبر» شان به لرزه در می‌آمدند.

پس، عزّت ما در دوستی و روابط نیک و حسنه با امریکا و ناتو و یا چنگ زدن به مفکوره‌های وطن‌پرستی، قوم‌پرستی، مرزپرستی و دموکراسی و ارزش‌های حقوق بشری نیست؛ بلکه عزّت ما در تمسک به اسلام و ارزش‌های هدایت‌بخش آن می‌باشد. سخن خود را با این قول حضرت عمر رضی‌الله عنه به پایان می‌بریم که می‌گفت: «ما قوم جاهلی بودیم که الله توسط اسلام به ما عزّت داد و هرگاه این عزّت را در جای دیگر جستجو کنیم، الله ما را خوار می‌گرداند».

(1): برای معلومات بیشتر در مورد ویژگی‌های خانه‌ی عنکبوت به قسمت دوم *حَبْلُ الْمَتِينِ* تحت نام «تحلیل اوضاع جاری افغانستان در آئینه‌ی قرآن» مراجعه کنید.

مصدق سهاک

عضو دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر - ولایه افغانستان